

نقش نهضت نرم افزاری در تحقق وحدت انسانی و صلح جهانی

The Role of software movement in stabilization Human union and the peace

محمد حسین پژوهنده

پژوهشگر حوزه علمیه خراسان و رئیس گروه فرهنگ و معارف اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی- مشهد، ایران. ایمیل: pajoohandeh@razavi.ac.ir

خلاصه

نهضت نامیده به نرم افزاری مدت زمان کوتاهی است در کشور ما شناخته شده، و بحث های زیادی بر سر آن شده که منظور از آن چیست. در این نوشتار در صدد توضیح آن نمی باشیم و به معنای متبادر آن یعنی آنچه در مقابل سخت افزار در صنعت الکترونیک قرار دارد بسنده کرده ایم.

جان مسأله این است که با توجه به مفهوم دهکده جهانی ارتباطات و نوع انتظاری که از آن هست، عنصری به این نام و نشان چگونه و تا چه اندازه می تواند در چنین عصری در رابطه با هدف برقراری صلح و واحد ساختن نظم و نبض حرکت های بشری در عرصه جهانی ایفای نقش نماید؟

این نوشتار از دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول که نرم افزار از زوایه ارتباطات نگریسته شده، موضوعات پایه به عنوان شاخص شناسایی مورد توجه قرار می گیرد همچون: مقتضیات زمانه در عصر اطلاعات، رابطه نرم افزار و ارتباطات، نقش آفرینی نرم افزار در نظام اجتماعی- سیاسی که از آن تعبیر به دموکراسی دیجیتال شده است، تعاونی جهانی اینترنت، دانشگاه جهانی علوم و معارف، و سرانجام، سخنی در نقد ارتباطات، که آیا در راستایی که حرکت کرده موفق بوده است؟

بخش دوم در ادامه معنوی بخش نخست است و در صدد است تا نرم افزار را از زاویه نگاه ابزاری نسبت به جهانی شدن مورد کندو کاو قرار دهد. درواقع این بخش در صدد است تا علت ناکامی نهضت نرم افزاری را در جهت تحقق هدف صلح جهانی مورد مذاقه قرار دهد و ریشه کاوی نماید. ارزیابی نگارنده با تکیه بر مفاد مفهومی مکتب حاکم این است که مدیریت جهانی نهضت نرم افزاری به لحاظ خصلت ذاتی خود که لیبرالیسم است، قادر به تحقق چنان هدفی نمی باشد. ضمناً شیوه بحث، اسنادی (کتاب خانه ای / آرشیوی) است در مایه توصیفی-تبیینی؛ از نوع پژوهش راهبردی.

واژگان کلیدی: نهضت نرم افزاری، جهانی شدن، لیبرالیسم، صلح جهانی، پروژه جهانی سازی.

مقدمه

برای محقق تاریخ تمدن روشن است که وقایع مهم و سرنوشت ساز می توانند مبدا تاریخ و یا آغازگر دوره تحولی خاصی بوده باشند و از این نظر می بینیم که علمای تاریخ، دوره ها را به عنوان همان موضوع و مساله نام گذاری می کنند؛ و این سیره ای است که مردم از روزگاران دور نیز از آن پیروی کرده اند؛ چنان که مثلاً تهاجم ابرهه به مکه را عام الفیل، و هجرت پیامبر را آغاز تاریخ اسلام نهادند .

تنها فرقی که در این موارد می بینیم این است که وقایع مربوط به سرنوشت یک ملت در همان کشور و سپهر تمدنی آن محدود می ماند، و رخدادهای فراگیری که به کل بشریت ربط پیدا می کنند در گستره جهانی فراشمول می گردند و دوره تاریخی تکاملی انسان را رقم می زنند که در عصر ما صنعت الکترونیک موجب تحول شگرفی شده است و تبعات آن تمامی بشریت را شامل گردیده؛ و به تعبیر الوین تافلر منشا به وجود آمدن موج سوم گردیده است .

همچنین میزان عظمت و عمق تاثیر این وقایع نیز متفاوت است، برخی تنها خود و تا مدت زمان محدودی به درخشش می پردازند؛ و برخی دیگر به مثابه آب دایرکتوری مهمی، چندین ساب دایرکتوری را تغذیه می کنند همچون مثال بالا که فراپوشنده عناوین دیگری چون: جهانی شدن؛ ارتباطات نوین؛ نظم نوین جهانی، و... گردیده است؛ به همین مناسبت نام ها و القاب مرتبط با آن ها را نیز کم و بیش یافته است (عصر ارتباطات - دوره فرامدرنیته - عصر جهانی شدن و...).

در حقیقت باید از آقای الوین تافلر بسیار تشکر کرد که در تحلیل تاریخی خود از دوره های تحولی بزرگ به عنوان موج یاد کرده است زیرا بسان موجی از نقطه ای شروع و پیرامون خود را تا بی نهایت در می نوردد و همه پیرامون از مرکز متاثر می گردد؛ ملت های غافل به انفعال می افتند، و ملت های آگاه در برابر آن موضع می گیرند (مثبت یا منفی) زیرا مساله روز آن ها گردیده است، و این برای ما جای بسی

خوشوقتی است که خود را در موضع دوم می بینیم و فونکشن های آن را مورد ارزیابی و کاوش منتقدانه قرار می دهیم؛ اما نخست جای این سؤال است که آیا باید در برابر دگرگون شدن تحولات خود را سازگاری داد و یا سازگاری با دین داری انسان نمی سازد؟

این سؤالی است که شهید مطهری نیز آن را مطرح می کند :

« آیا انسان می تواند مسلمان باشد و در عین حال خودش را با مقتضیات زمان تطبیق دهد یا نه ؟ گاهی می پرسند اساساً با توجه به این که مقتضیات زمان تغییر می کند چگونه می شود انسان دیندار بماند، چون لازمه دینداری این است که انسان خودش را در مقابل مقتضیات زمان نگاه دارد و مقتضیات زمان تغییر می کند و چاره ای نیست»^۱؛ لیکن مناسب ترین برخورد اتخاذ موضع نقدی است .

چرا در برابر تحولات باید موضع انتقادی داشت ؟

پاسخ آن است که تحولات اجتماعی اگر چه به تابع متغیراتی رخ می دهند که از پیش به وجود آمده اند اما همه آن ها حساب شده و طبق برنامه و به سخنی دیگر، فرمولیزه نبوده اند و از این روی، چیزی در حد تصادف به حساب می آیند؛ دقیقاً چونان علفهایی که در مرغزار می رویند؛ برخی در شرایط خاصی مفید و در شرایط خاص دیگری زیان مندند، و برخی در هر شرایط مفید و برخی دیگر در همه حالات و شرایط مضر به حال انسان هستند؛ و تحولات نیز چنین اند و لذا عقل آدمی حکم می کند که در میان تحولات، باید به تفاوت قائل بود و نمی توان به همه آن ها یکسان نگریست . روی همین اصل باید انسان در برابر آن ها از در نقد و محک علمی و دینی وارد شود . از باب مثال : « در مورد وسائل خبررسانی و به اصطلاح وسائل ارتباط جمعی یا به تعبیر فارسی امروزی رسانه های گروهی، آدم فکر می کند چه از این بهتر که اینجا نشست باشد و خبری را که به آن علاقمند است سر ساعت بشنود . می گویند ولی این را هم حساب بکنید که همین، خودش چقدر دلهره ها و اضطرابها و

^۱ . متفکر شهید استاد مرتضی مطهری . اسلام و مقتضیات زمان، جلد اول . انتشارات صدرا، چاپ نهم : تابستان ۱۳۷۳، ص ۲۷.

چقدر ناراحتیها برای بشر بوجود می آورد! بسیاری چیزها است که مصلحت بشر این است که آن را نداند. به عنوان مثال در قدیم مردمی که در شیراز بودند هیچوقت اطلاع پیدا نمی کردند که مثلاً در قوچان سیلی آمده و چندین هزار نفر را بی خانمان و نابود کرده است. ولی حالا اطلاع پیدا می کنند و ناراحت می شوند. و هزاران حوادث ناراحت کننده دیگر که در گوشه و کنار دنیا اتفاق می افتد.^۲ بنا بر این «با تغییرات زمان نه باید در بست هماهنگی کرد و نه در بست و صد در صد مخالفت کرد، چون زمان را انسان می سازد و انسان موجودی است که می تواند زمان را در جهت خوبی تغییر بدهد و می تواند زمان را در جهت بدی تغییر بدهد، پس با تغییراتی که در جهت خوبی است باید هماهنگی کرد و با تغییراتی که در جهت بدی است نه تنها نباید هماهنگی کرد بلکه باید مخالفت کرد. اکنون سؤال دیگری پیش می آید که کدام تغییرات است که باید آنها را به حساب ترقی و اعتلاء بگذاریم و کدام تغییرات است که باید آنها را به حساب فساد و انحراف بگذاریم؟^۳ و فایده نقد و نگرش نقادانه نیز همین است تا سره از ناسره بازشناخته گردد. لیکن برای دستیابی به نتیجه مطلوب، کدام محک را باید به کار برد؟

دقیقاً اگر خوب به موضوعات اجتماعی بنگریم آن ها را به سان آیات الهی، شامل محکم و متشابه خواهیم یافت. آنانی که نمی خواهند حقیقت را دریابند انگشت روی نقاط متشابه نهاده به مغالطه می پردازند و افکار را به سمت ناکجاآباد گمراهی سوق می دهند؛ لیکن آگاهان و اهل بصیرت به نقطه خاستگاه مسائل توجه می کنند و مسائل را تجزیه و از یکدیگر متمایز می سازند؛ و در خصوص موضوعات نوپدید و تحولات نوظهور «چیزی که بیشتر منشا مغالطه می شود [خلط میان اندیشه های عملی و اندیشه های نظری است] قدمای فلاسفه متوجه یک نکته بسیار عالی شده

^۲. تکامل اجتماعی انسان. به ضمیمه هدف زندگی. الهامی از شیخ الطائفه، مزایا و خدمات مرحوم آیه الله بروجردی، متفکر شهید استاد مرتضی مطهری. تکامل اجتماعی، نویسنده:

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری ناشر: انتشارات صدرا، صص ۲۴-۲۵.

^۳. اسلام و مقتضیات زمان. جلد اول. متفکر شهید استاد مرتضی مطهری. انتشارات صدرا، چاپ نهم: تابستان ۱۳۷۳، ص ۴۱.

بودند و آن این که بعضی مسائل، قراردادی است نه واقعی، مسائل قراردادی فکر بشر، متغیر است - و به آنها "اندیشه های عملی" می گفتند در مقابل "اندیشه های نظری" - و به عبارت دیگر می گفتند: فکر بشر در باره "جهان، آنچه که هست" تابع اغراض انسان نیست، ولی فکر بشر در باره "جهان، آنچه که باید" تابع اغراض اهداف انسان است این که دور محال است یا نه، فکری است در باره جهان آنچه که هست این که فلان عدد ضربدر فلان عدد مساوی با فلان عدد است، فکری است در باره جهان آنچه که هست؛ ریاضیات و فلسفه و طبیعیات جزو علوم نظری هستند ولی علمی که درباره "آنچه باید" بحث می کنند مثل اخلاق، سیاست و تدبیر منزل... اینها تغییر می کنند^۴ و در حوزه اندیشه های عملی قرار دارند.

عصر اطلاعات Information Age

عصر حاضر که عصر اطلاعات یا ارتباطات نام گرفته است یکی از همان تحولات عظیم و تاریخ سازی است که منشا تحول در بسیاری از شؤون زندگی بشر گردیده است. از خصوصیات این دوره تحولی آن است که نوآوری هایی در عرصه فهم دین و دینداری گسترانیده و لزوم رویکرد به روش های نوین و منحصر به خود را در تبلیغ ادیان و فرهنگ دینی نتیجه می بخشد، و برای هر دین و مذهبی این امکان فراهم می آید که فراسوی مرزهای ملی اشاعه یابد. این رخداد اجتماعی همراه با شتابی روز افزون منجر به بروز پدیده دیگری گردیده است که می توان از آن به عنوان «جهانی شدن دینی» تعبیر کرد. در روند این فرایند انسانی اطلاعات دینی به طور فزاینده با روش هایی متفاوت جریان خواهد یافت و شکل های نوین نهادهای مذهبی را به وجود خواهد آورد و در پی آن، محتوا و مضمون فعالیت ها و آموزه های آن ها تغییرات پر آشوب و متلاطم تری را نسبت به گذشته تجربه خواهد کرد. چه آن که «امروزه اطلاعاتی که پیش تر به متخصصان و کاربران حرفه ای محدود می شد، در دسترس همگان قرار گرفته است؛ به این معنا که مرزهای جغرافیایی و اجتماعی در حال فرو

^۴ . اسلام و مقتضیات زمان، متفکر شهید استاد مرتضی مطهری، جلد دوم، انتشارات صدرا، چاپ اول: تابستان ۱۳۷۰، ص ۱۹۶.

ریختن است و اطلاعاتی که قبلاً فقط به اعضای خاصی تعلق داشت، هم اکنون به طور فزاینده ای در معرض استفاده دیگران قرار دارد»^۵ و این تحولات گروه های مذهبی و متدینان را در رقابت جدید و ناشناخته ای قرار می دهد که ناچار به اتخاذ شیوه های مناسب و متناسب با فناوری جدید هستند؛ هم اینجاست که مسأله نقد به میان می آید زیرا اتخاذ هر شیوه ای و به کار بستن هر طرفی و استفاده از ابزاری- به طور چشم بسته، مطلق و از سر انفعال - روا نیست .

با توجه به آموزه های فوق الذکر، طبعاً به تجزیه و تحلیل موضوع از دو زاویه مورد علاقه، یعنی ارتباطات و جهانی شدن می نگریم که در دو بخش پی گیری می شود:

الف - نهضت نرم افزاری از زاویه ارتباطات

چنان که می دانیم پیش از دهه هفتاد اگر شخصی خواست با دوستش در کشور دیگری ارتباط شفاهی داشته باشد بسیار محدود بود و براحتی امکان نداشت؛ غرض از این اشاره اهمیت نرم افزار در تسهیل ارتباطات است.

از چند دهه به پایان قرن بیستم دنیا شاهد تحولات شگرفی بوده است که از سرمنشأ اصلی پیشرفت در امر ارتباطات نشأت گرفته است. توسعه دانش ارتباطات در زمانی کوتاه دنیا را به یک دهکده تبدیل کرد؛ از این رو دوره ای را که در آن هستیم، عصر ارتباطات نام نهاده اند، به یمن پیشرفت هایی که در این زمینه انجام گرفته، دیوارها یکی پس از دیگری فرومی ریزد، دیوارهای فیزیکی همچون مرزهای جغرافیایی، و دیوارهای نامرئی همچون تفاوت های فرهنگی، متعهد انجام این پروژه جهانی ارتباطات است.^۶

^۵ . اینونوباتاکا . نحولات مذهبی در عصر اطلاعات . ترجمه فیروزه دشتی . رهاورد نور، س ۳ . ش ۸ . پائیز ۱۳۸۳ . ص ۵۵ .

^۶ . سرژلاتوشه، غربی سازی جهان، ترجمه مشتاق فرهاد صفت، سمت ۱۳۷۹، صص ۱۰۴-۱۳۳ .

در اولین نگاه ذهن انسان به ابزار ارتباطی همچون ماهواره‌ها و گیرنده‌های امواج رادیویی معطوف می‌شود لیکن پس از تأمل بیشتر می‌بینیم ارتباطات با ابزار ارتباطات فرق دارد.

در زیر به پاره ای از ثمرات مثبت ارتباطات که امروزه در قالب نرم افزاری الکترونیک عرضه می‌شود، توجه می‌کنیم:

دموکراسی دیجیتال

از مهم ترین آثار پیدایش جامعه اطلاعاتی، تحول در ساختارهای حکومتی و قدرت و شکل گیری نوع خاصی از دموکراسی است که در نظر برخی از اندیشمندان علوم سیاسی مسبوق به سابقه نیست. این شکل از دموکراسی که اکنون در اصطلاح "دموکراسی دیجیتال" نام گرفته است بر انواع دیگر دموکراسی اثر می‌گذارد و آنها را از درون متحول می‌کند ... دموکراسی دیجیتال، فناوری های موجود را از طریق فرایند های انتقال داده های دیجیتال به خدمت می‌گیرد. در حال حاضر مفهوم دموکراسی دیجیتال می‌تواند به طیف نسبتاً وسیعی از کاربردهای فناورانه از جمله "پارلمان های مردمی تلویزیونی"، "هیات های منصفه مجازی شهروندان"، "گروه های مباحثه الکترونیک" (به وسیله ویدئو-کنفرانس) و "بردهای اطلاعات" اشاره داشته باشد.^۷

تعاونی جهانی اینترنت

دهکده ای که مک لوهان در سه دهه پیش از آن خبر می‌داد شاید آن موقع یک غیب گویی بیشتر تلقی نمی‌شد در حالی که امروزه امر عادی است. در این دهکده فضای سایبر، اتصال مطلق فرد به جهان خارج است؛ مبادلات اینترنتی، راه دستیابی به سرمایه ها و حساب ها، خریده‌ها و رزروها، پرداخت مالیات ها و عوارض و سایر امور شهری از طریق توکن، تماشای تولیدات رسانه ای (فیلم ها، اخبار، ورزش، سرگرمی و غیره)، برقراری تماس های آنی، ارسال و دریافت پیام ها از افراد و گروه ها، دریافت

^۷. دکتر هادی خانیکي، «دموکراسی دیجیتال»، رسانه، س ۱۵ ش پیاپی ۵۹ پائیز ۱۳۸۳. صص ۶-۵.

اطلاعات ترافیکی متنی و مولتی مدیایی و غیره . درست مانند خرید با کارت اعتباری کنونی، هر مبادله هزینه خاص خود را خواهد داشت که از حساب شما کسر می شود ... اینترنت یک حوزه وسایل ارتباطی، یک فضای باز جهانی، یک بازار وسایل ارتباط جمعی با یک اقتصاد خاص در محتوا و نقل و انتقال است ... هر کس می تواند یک ناشر باشد و آثار خود را منتشر کند. انتشارات در تمام سطوح کیفی و موضوعی و عموماً رایگان وجود دارد. هزینه های مربوط به کاربر معمولاً ثابت و معتدل است و هر کس در هر نقطه از جهان با یک تماس در دسترس و ارتباط با گروه ها به اندازه ارتباط با افراد ارزان و آسان است. با پرداخت مبلغی ناچیز هم می توان به تعاونی جهانی اینترنت ملحق شد . اینترنت با خود جمعی کردن گفتمان را به همراه داشته و نمونه اصلی دموکراتیزه شدن رسانه هاست.^۸

اینترنت با دریافت اطلاعات گوناگون از سطح جهان برای کسانی که تسلط به زبان های رایج دنیا دارند می تواند حل المسائل همه موضوعات و مسائل باشد؛ در این رابطه کفایت واژه کلیدی آن را در نوار موتور جستجو قرار دهیم.

به وسیله اینترنت می توان مشکل تمرکز دولت در پایتخت را نیز حل کرد . هر وزارت خانه در حوزه کاربردی خود، در یکی از استان ها مستقر می شود و هماهنگی ها با نشست اینترنتی انجام می شود.

اینترنت به ویژه برای هماهنگی سازمان های جهانی واقعی در تقویت ارتباطات گروهی، کاهش سفرها و گردهمایی ها و ایجاد توانایی تصمیم گیری های سریع مؤثر است.^۹

دانشگاه جهانی علوم و معارف

از میان صدها فرآورده و تولید تمدنی که در قلمرو دانش رایانه ای شاهد آن هستیم، نگاهی گذرا و اجمالی به تلاش هایی که در جهت بسط و توسعه علوم و

^۸ . دموکراسی و فضای سایبر . ریچارد، کی، مور . ترجمه عبد الرضا زکوت روشندل . رسانه، س ۱۵ ش پیاپی ۵۹ پائیز ۱۳۸۳ . ص ۹۰ .
^۹ . ریچارد، کی، مور . همان . ص ۹۱ .

معارف انسانی در حوزه فناوری الکترونیکی نوین انجام گرفته، چه آن دسته از اهدافی که به وسیله دانشگاهیان تحقق یافته، و چه اهدافی که توسط حوزویان به ثمر نشسته اند به خوبی گواه بر این مطلب اند که صنعت نرم افزاری توانسته است نقش بهینه ای در تشکیل چنین دانشگاهی ایفا نماید.

پژوهشگران ما در عرصه نرم افزاری، با تولیدات گوناگونی که در زمینه مکاتب ادبیات، هنر، تاریخ و جغرافیا، فلسفه، ادیان و مذاهب، علوم تجربی و پایه، بانک های اطلاعات عمومی و تخصصی رشته های درسی، فرهنگ های لغت به لغت و دایره المعارف ها، آموزش علوم و حرفه ها و صنایع، و ... گام های مؤثری برداشته اند، چندان که کار پژوهش را برای کاربران خود به اندازه ای تسهیل نموده اند که به راستی می توان ادعا کرد "یک شبه ره صد ساله رفته اند". این گونه تلاش ها عموماً دو دسته اند: یک/ تک نمودی؛ دو/ جریانی.

از جمله مورد اول می توان به لوح های فشرده و تراشه های علوم و معارف اسلامی در زمینه آنچه ذکر شد اشاره کرد؛ و از جمله مورد دومی نیز پایگاه های اطلاع رسانی (که خوشبختانه کم نیستند) قوی و بزرگی را به وجود آورده اند که ذکر همه آن ها به درازای سخن می انجامد؛ با همه این ها این تلاش ها نسبت به دنیای غرب ناچیز اند و یارای برابری ندارند.

نقد:

ارتباطات تا کنون به دنبال چه بوده است؟ در یک تحلیل تاریخی از زاویه ارتباطات، و با مقایسه نیمه اول قرن بیستم با نیمه دوم آن، یعنی قبل از جنگ جهانی و بعد از آن، می بینیم چه آن زمان که سطح گفتارهای بین المللی بسته و پرفاصله بوده، و چه پس از گسترش دامنه ارتباطات و بازتر شدن فضا برای پذیرش آواهای متنوع و فراوان ملت ها در کلیت نوعی خود، انسان به وحدت نرسیده، بلکه گسل ها بیشتر نیز شده است.^{۱۰} در حقیقت، نقش رسانه ها در

^{۱۰}. دکتر ابراهیم محمدی، رسالت (۶/۵/۱۳۸۱)، ص ۱۱

پیام رسانی هرگز در سپهر واحد انسانی موفق نبوده است. آیا دستگاه انتقال پیام دور از دسترس بوده، و یا نقصی در نظام رسانه‌ای موجود بوده است و یا اصلاً انتظار ما از ابزار ارتباطات یعنی از رسانه‌ها بیش از حد معقول آن بوده است. یعنی در حقیقت، ما وضعیت گفتاری انسان‌ها را که در حال توسعه بوده و می‌باشد را با گفت و گوی تمدن‌ها اشتباهاً یکی دانسته و آن را هدف پنداشته‌ایم!

مضمون اساسنامه‌ی یونسکو، که در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ به تصویب ۲۰ کشور مؤسس آن رسیده و بر همان اساس، بخش‌های مهمی از آن به رسانه‌های جمعی واگذار گردیده است، فلسفه وجودی این سازمان را از میان برداشتن آن دسته از موانع معرفتی برشمرده است که موجب نابردباری، عدم مفاهمه، خشونت و جنگ می‌شوند. «از آنجا که جنگ در ذهن مردمان آغاز می‌گردد، باید صلح را هم در ذهن مردمان بنا نهاد. ناآگاهی از راه و رسم زندگی دیگران، در طول تاریخ بشریت، علت اصلی بی‌اعتمادی و شک در میان مردمان جهان بوده است اختلافاتی که همیشه به جنگ منتهی شده است.»^{۱۱}

آنچه از این مضمون به دست می‌آید، هدف از آشنایی مردمان جهان به وسیله ارتباطات، مفاهمه و درک یکدیگر است. اما این نیز هدف اصلی نیست و هدف اصلی رسیدن به صلح جهان گستر و پایدار است.

ب - نهضت نرم افزاری از زاویه جهانی شدن

نخست، مسأله‌ای به نام جهانی شدن (Globalisme/Globalization) یا جهانی سازی (Universalization) را بر می‌رسیم:

گرد شدن زبان‌ها، اخلاق، انعطاف ادیان، درک متقابل گروه‌های انسانی و تسامح در سنتها گرچه از نگاه درونی مسأله فاجعه آمیزی تلقی می‌شود؛ یعنی خبر از دور شدن انسانها از کیان ویژه خویش است. اما از نگاه برونی و عام انسانی مؤده نزدیک

^{۱۱} . دکتر هادی خانیکی، رسانه ۵۱ پیاپی، ص ۲۶.

شدن انسانها به یکدیگر است. و سیر تاریخ انسانیت را اگر بنگریم شفافتر شدن آنها را در مقایسه با مقطع پیشتر ملاحظه می‌کنیم.

اصل «اندیشه جهانی» بحکم غریزه «گروه‌گرایی» در طبیعت بشر بوده است و در ادیان هم، یک اصل مهم است و از آن جا به فرهنگهای ملتها رسوخ یافته است. لذا بشر در هر کجا هست دوست دارد با مردمان دیگر رابطه برقرار کند، پس حاضر می‌شود از امتیازات جدا کننده خود عقب نشینی کند.

ازین اصل برداشتی که می‌کنیم این است که سیستم هوشمند شعور مخفی در نهاد انسان جهانی بریده از اصل خویش، ناخود آگاه تلاش می‌کند هویت پیشین خود را بازیابد؛ و هم منافات ندارد که دانشمندان علوم سیاسی، اجتماعی در خدمت قدرت طلبان، با کشف این راز، در خدمت آنان بوده و ترفندهایی را در جهت رشد و سرعت بخشیدن به آن اعمال کنند و «پروژه جهانی شدن» را به «پروژه جهانی سازی» تبدیل کنند. چنان که بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی چندین مرحله داعیه داران آن، جای خود را به دیگری داده اند. مثلاً پرتغال، فرانسه، آلمان، انگلستان، و اخیراً آمریکا.

از این استقرای تاریخی چنین می‌فهمیم - به خصوص پس از جهان شمول شدن لیبرالیسم - که یک ملیت خاص را نمی‌توان زعیم جهانی شدن دانست؛ بلکه این یک سیستم - مثلاً سرمایه داری - است که در سطح انسان جهانی، چون مسابقات فوتبال عمل می‌کند؛ از رقابتهای انتخابی تا فینال جام جهانی، تنها شرطش داشتن تواناییهای برنده شدن است؛ و موتور محرک آن را نیز نمی‌توان انحصاراً در اختیار یک ملیت دانست. شاید فردا داعیه دار قدرت جهانی و زعیم جهانی شدن/ساز، ژاپن یا آلمان یا... باشد.

بنا بر این، اگر رقابت برای واحد شدن قدرت جهانی همانند فوتبال پیش برود. اعتراضی بر آن نیست و همه حق را به آن دسته ای می‌دهند که در برخورد استعدادها به صورت طبیعی برنده شده است.

دموکراسی لیبرال، یا جنبش بیداری اسلامی؟

گفته می‌شود جهانی شدن به ضرر توده های مستضعف و به نفع سرمایه داران بزرگ است و موجب بلوکه شدن بیش از حد ثروت نزد معدود انسانهای قدرت مند و با نفوذ است و لذا فاصله فقر و غنا از این بیشتر می‌شود؛ اما این بستگی دارد که میر کاروان که باشد: لیبرالیزم یا دیگری.

لیبرالیزم با فرو ریزاندن جداره های قومیت و انسان در قبیله، موفق شد هسته های فشار داخل جامعه جهان انسان را حل و مستهلک کند، و این گام مهمی به سوی بی اعتبار شدن مرزهای سیاسی و جغرافیایی است (Ω =انسان جهانی) و بنا بر این زمینه نامساعد فشار و کنترل و عقب راندن به مرزهای خود وجود ندارد تا به یک انسان آن حق را بدهد که در هر جا که بخواهد، تا هر چه بخواهد، و هر که را بخواهد استعمار کند بر آن قادر باشد.

اما مسأله دیگر این است که به غیر از آزاد مسلکی [یا به تعبیر عوامی من: یله گری] اگر قافله سالار بشریت یکی از فلسفه های کنترل کننده اختیارات باشد [چون اصول گرای اسلامی] آیا باز هم هراسی از فاجعه فوق (پیامد ضد مستضعف) وجود دارد؟

به نظر می‌رسد اگر بدیل (آلترناتیو) لیبرالیزم، مکتبی باشد که در آن منطقه های حرام نیز تعبیه شده باشد - هر چند ماهیت لیبرالیزم را دارا باشد - جهانی شدن به سود تمامی بشریت خواهد بود. یعنی مدینه فاضله ای خواهد بود که تحقق یافته است. با این حال، در مقابل این نظر، نقطه نظرات دیگری نیز هست که آن را خاکریز فتح جهان به وسیله نخبگان سرمایه داری غرب می شناسد.

در مرحله دوم، جهانی شدن و فضای سایبر را مورد مطالعه قرار می دهیم^{۱۳} در حقیقت، با درس گرفتن از سیستم فوتبال، می‌بینیم مسأله جهانی شدن، همان انتخاب اصلح در مبارزه بین اسپرمها و اوول ها است که به انتخاب یکی از دو گروه نر

^{۱۳} . شبکه پهنای باند دیجیتالی جهانی، یعنی سخت افزار فضای سایبر .

و ماده می‌انجامد؛ با این رویکرد می‌بینیم در سطح بشری هم موضوع همان است. دو تیم در نهایت می‌ماند که یکی در مقام اولین و دیگری در مقام دومین قرار می‌گیرد. حاصل آن ثنائیت در عین وحدت است؛ اما چرا باید ثنائیتی باشد؟ زیرا تا باز هم رقابتی باشد که منشأ رشد است؛ و هم این که دو تیم پیش افتاده برای معاضدت یکدیگر لازم است. دیگر این که اگر ثنائیت را کنار بگذاریم آلترناتیو از بین می‌رود. اما چرا باید بدیلی باشد؟ زیرا بدیل همان نیروی واجد شرایط عهده داری زعامت طبیعی است.

با این حساب، جهانی شدن تئوریزه می‌شود؛ لیکن جهانی سازی را نمی‌توان با هیچ محملی انطباق داد زیرا خارج از مقوله طبیعی است. منظور ما این است که جهانی سازی بر خلاف اصل است، هر چند که از دید حکمی به مسأله، چنین ایده ای ضرورت می‌یابد، یعنی اگر حس تهاجم را از نهاد بشر خارج کنیم، داعی برای مسابقه بشری در هیچ گرایشی وجود نخواهد داشت؛ حتی می‌توان گفت بدون چنین ایده ای تیم پیروز نمی‌تواند موقعیت خود را حفظ کند. اما چرا باید تیم پیروز موقعیت خود را حفظ کند؟ زیرا همواره باید اصلح در موقعیتی از کمال باشد که رشد یافته ترینها بتوانند با او رقابت کنند تا پیروزترین در سطح جهان مشخص شود. در این رابطه دو فرامد جلب توجه می‌کنند:

یک/ جهانی شدن به معنی کودتای نخبگان است. برتری سیاسی موقتی در غرب به صورت نظام مند در حال تبدیل به یک برتری سیاسی و جهانی دایمی، که شبکه کمیسیون ها و کارگزاران زیر سلطه نخبگان نهادی شده است، می‌باشد. نخبگان بازی صوری را کنار گذاشته اند و شهروندان خود را در وضعیت شکل گرفته می‌بینند^{۱۳}...

دو / جهانی شدن نیز به نوبه خود، نمونه بهتری از تاثیر قوی تبلیغات رسانه ای است. بحث نئولیبرالیسم، با اصلاحاتی نیروی بازار و دولت کوچک تر فقط بخشی از

^{۱۳}. ریچارد، کی، مور. همان. ص ۹۶-۹۷.

مناظرات عمومی نیست. بلکه چارچوب آن را شکل می دهد. سیاستمداران و رهبران دولتی به ندرت درباره بود یا نبود پذیرش جهانی شدن بحث می کنند و به جای آن از سیاست های ملی که به بهترین حالت با تقاضاهای جهانی شدن سازگاری دارد، حمایت می کنند... رسانه های جمعی خط مقدم کنترل جهانی گرایایی یکپارچه جمعی هستند، همانند خندق ها در نبرد برای دستیابی نخبگان. این واقعیت، به علاوه نیروی بازار، فوریت بیشتری به گام های تمرکز رسانه ای جهانی می دهد وقتی پخش آنلاین آگهی های تجاری فضای سایبر آغاز شود، باید اهمیت ساسی مرکزی رسانه های تحت تسلط شرکتها در فرایند جهانی شدن و کنترل نخبگان به طور کلی، در نظر گرفته و سرنوشت فرهنگ اینترنت پیش بینی شود. به همین منظور، برخورد با فضای سایبر و اینترنت در رسانه های جمعی در سال های اخیر نشان از افزایش بینش دارد.^{۱۴}

چه کسی بر آرمان شهر سایبر و اینترنت حکومت خواهد کرد؟

سنت لاینیغیر الهی بر آن قرار گرفته است تا عالمان، صالحان، خالصان، سخت کوشان و مؤمنان در مقام برتری قرار گیرند؛ و این سنت ثابتی است که در کلیت خود بر همه انسان ها یکسان حکومت می کند. با این حال، روشن است که امروزه بر خلاف سابق، آنچه ارزش تلقی می شود و وراثت سلطه را به انسان ارمغان می دهد، همانا دانش کارآمد و سلطه آگاهی فنی است.

«ممکن است از فضای سایبر به عنوان نوعی آرمان شهر یاد کنند که در آن هر نوع درخواست ارتباطی امکان پذیر می باشد، اما سؤال این است که چه کسی قرار است بر این آرمان شهر حکومت کند؟ ما کاربران اینترنت تصور می کنیم که با حرکتی موزون و آرام به درون این آرمان شهر وارد خواهیم شد تا به مقاصد خلاقانه مان صورت واقع ببخشیم، درست همان طور که به اینترنت وارد شدیم؛ اما دیگرانی هم هستند که این

^{۱۴}. ریچارد، کی، مور. همان. ص ۹۹.

آرمان شهر را طراحی کرده اند. برای ورد به این آرمان شهر، دیگران نیز خود را آماده کرده اند»^{۱۵}

دکتر محسنیان راد در این مورد معتقد است که اینترنت در واقع، یک اتوبان یک طرفه است، یعنی به وسیله غرب اشباع می شود و دیگران فقط از کالاهای عرضه شده می توانند استفاده کنند. وی می افزاید:

«مهم این است که شما در این اتوبان یکطرفه بتوانید شرایطی ایجاد کنید که امکان ترافیک دوطرفه فراهم شود، و این ترافیک زمانی فراهم می شود که امکانات آن، مثل بانکهای اطلاعاتی و دایره المعارف ها را داشته باشیم و آن فونداسیون هایی که ما عقب هستیم بتواند شکل بگیرد. این مستلزم مطالعه و تحقیق اساسی در برنامه نسبتاً درازمدت است، زیرا اینترنت مثل دیشهای ماهواره نیست که معلوم و قابل کنترل باشد. یافتن پاسخ قطعی به این، مستلزم این است که ما بدانیم چقدر از این شبکه برای توسعه علوم استفاده می شود، روزانه چقدر اکتشاف داریم، چند محقق و استاد برای تالیف و کارهای علمی پژوهشی تجهیز شده و کار می کنند»^{۱۶}

نقد:

مروری هرچند گذرا و کوتاه بر سیر روند تحولاتی که اینترنت و شبکه جهانی وب، از سال های دهه شصت قرن بیستم تا کنون طی کرده است هیچ تردیدی در این باقی نمی گذارد که هم اکنون شبکه اینترنت در طول دهه های اخیر به صورت یکی از اصلی ترین ابزار کارآمد تبلیغات و ارتباطات و بازرگانی درآمدی است و این جریان می رود تا در خلال سال های آینده تمامی امکانات و سیستم های اطلاع رسانی را تحت الشعاع خود قرار دهد. ... شمار دستگاه های وابسته به این شبکه در خلال سال های ۴-۱۹۹۲ از مرز ۹۲۲ به ۸/۱ میلیون نفر؛ و در سال ۱۹۹۹ به ۲۵ میلیون

^{۱۵} . ریچارد، کی، مور . «دموکراسی و فضای سایبر». ترجمه عبد الرضا زکوت روشنندل . رسانه، س ۱۵، ش ۵۹ پیاپی، پائیز ۱۳۸۳. ص ۱۰۱.

^{۱۶} . دکتر محسنیان راد . ماهواره، اینترنت و رسالت حوزه ها، فصلنامه اندیشه حوزه، س ۳ پیاپی ۱۱-۱۰، ص ۱۵۳.

نفر رسیده^{۱۷}، و لیکن آمار دقیق آن در لحظه کنونی بواقع میسر نیست زیرا بقدری فراگیر شده است که می توان ادعا کرد کمتر کسی از نعمت آن بی بهره است؛ با این حال، اینترنت نمی تواند به طور دربست کارگشا و مورد اعتماد باشد، زیرا بدون شک کنترل کامل آن در اختیار پنتاگون می باشد هر چند به ظاهر ادعا می شود که این شبکه در کنترل خاصی قرار ندارد.

توسعه فناوری نرم افزاری در عرصه تبلیغات

بدون شک، از جمله نیازهای جامعه رو به رشد ما در حال حاضر، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) است^{۱۸}. ناگفته پیداست که تامین نیاز در این رابطه به منظور نیل به اهداف از پیش تعیین شده، مستلزم سیاست گذاری مناسب و بسترسازی بهینه (امور سخت افزاری) در جهت کارآمد ساختن نیروهای بالقوه است. در این میان، آنچه ضرورتاً نیل به نتایج کاربردی ICT و حرکت رو به رشد آن را در مسیر توسعه تضمین می بخشد، استفاده از نخبگان و نیروهای متخصص در حوزه علوم و معارف دینی می باشد تا با برخورداری از قدرت مالی و اجرایی کافی از این امکان بالقوه مادی بهترین بهره ها را ببریم .

« شرط استمرار موفقیت در عرصه ICT و نتیجه بخش بودن فعالیت های مربوط به آن، در پذیرش و ترویج فرهنگ ICT نهفته است. به طور کلی فرهنگ ICT به دو بخش تقسیم می شود : بخش اول، مربوط به کاربران، و بخش دوم به مدیران و ارائه دهندگان ICT اعم از IIP (ارائه دهندگان و تامین کنندگان خوراک اطلاعاتی) و ISP (ارائه دهندگان خدمات اینترنتی) ارتباط دارد. اگر در جوامع، فناوری گسترش یابد ولی عموم مردم با فرهنگ استفاده بهینه از آن آشنا نباشند، در هیچ عرصه ای شاهد پیشرفت و شکوفایی نخواهیم بود ... (که یکی از طرق انتشار این

^{۱۷} . الكمبيوتر و الاتصالات و الالکترونیک. (ضمیمه) نوامبر ۱۹۹۹، نشریه مجموعة دارالصیاد، بیروت، لبنان، ص ۹۵ .

^{۱۸} . Information Communication Tecnology .

فرهنگ، در اختیار نهادن امکانات سخت افزاری و نرم افزاری کمکی، و ارائه رایگان و یا با هزینه های بسیار پائین آن ها است) سرعت پائین، هزینه های بالا، امنیت متزلزل در برابر نفوذگرها (هکرها) و ویروس ها، پائین بودن ضریب کیفیت، بد ارائه دادن اطلاعات، بی توجهی به نیازها و سلیقه های کاربران، دیر و بد پاسخ دادن، در نظر نگرفتن شخصیت و عقاید مخاطبان، نامتناسب بودن برخوردها نسبت به سن و جنسیت و بسیاری از موارد مشابه دیگر همگی باعث می شوند تا شیرینی حضور در این عرصه به تلخی، واپس زدگی و ناامیدی مبدل شود»^{۱۹}.

نتیجه

اهمیت صنعت الکترونیک و فرزند خلف آن اینترنت را بازگو کردیم تا زمینه فراهم شود برای پذیرش نقش کارگشای آن در فتح قله های بلند تمدن موج سوم که از حوالی قرن بیست و یکم آغاز گردیده است. ناگفته پیداست که هر تمدنی محصول خاص خود را عرضه می دارد و ازین رو نمی توان چشم و گوش بسته پذیرای آن بود و این نکته، توجیهی برای ضرورت نقد و انتقاد است.

شاخص بزرگ این قرن گسترش اطلاعات و در پی آن تسهیل هر چه بیشتر ارتباطات است که بدان خاطر نام آن را عصر ارتباطات نهاده اند، و عنوان مرحله ای آن را نیز نهضت نرم افزاری نامیده اند؛ با این حال، در قدم نخستین یک نقد کلی بر تمامی موجودیت آن وارد است که عصر ارتباطات با بهره گیری از ابزار اطلاعات چه دردی را در جهت نزدیک شدن انسان ها به یکدیگر دوا کرده است؟ غرض از وارد کردن نقد نفی آن نیست بلکه می خواهیم با تجزیه و تحلیل مقادیر ارزشی سودهایی که به ارمغان آورده است مقایسه ای بکنیم با زیان های احتمالی

^{۱۹}. مجید کافی امامی «فناوری در خدمت تولید دانش دینی»، ره آورد نور، س ۴. ش ۸. پائیز ۱۳۸۳. ص ۱۱.

ناشی از آن تا راه بر گسترش آن‌ها بسته شود و صنعت الکترونیک سوار بر بال نرم افزار به کعبه مقصود نایل آید.

دموکراسی دیجیتال، تعاونی جهانی ارتباطات، دولت الکترونیک، دانشگاه الکترونیک جهانی، و از همه مهمتر هموار ساختن راه در به ثمر رسیدن پروسه جهانی شدن، از شاخص‌ترین ثمرات این نهضت است اما سؤال بی‌پاسخ ما این است که اگر صنعت موج سوم این قدر در نزدیک شدن انسان‌ها به یکدیگر مؤثر بوده، چقدر به صلح کمک کرده است؟

البته هیچ سؤالی بدون پاسخ وجود ندارد و پاسخ این سؤال شاید در توضیح درستی از مفهوم جهانی شدن نهفته باشد. به عبارت واضحتر حرکتی که آغاز شده است به مدیریت و رهبری کیست و چه آرمانی در سر دارد. لیبرالیسم یا دیگری است؟ لیبرالیسم با خوی ذاتی فردگرایی خویش شاید نتواند از عهده نزدیک ساختن انسان‌ها برآید و صلا دهنده جنگ و نفرت از یکدیگر باشد. البته این یک فرض قبل از تحقیق است که باید به نتیجه برسد.

ما این احتمال را در ذهن خود تقویت شده می‌یابیم که: «اگر بدیل (آلترناتیو) لیبرالیسم، مکتبی باشد که در آن منطقه‌های حرام نیز تعبیه شده باشد - هر چند ماهیت لیبرالیسم را دارا باشد - جهانی شدن به سود تمامی بشریت خواهد بود و نهضت نرم‌افزاری در هدف خود موفق شده است.»

منابع:

- قرآن مجید.
- اینونوباتاکا . تحولات مذهبی در عصر اطلاعات . ترجمه فیروزه دشتی . رهاورد نور،
س ۳. ش ۸. پائیز ۱۳۸۳.
- دموکراسی و فضای سایبر. ریچارد، کی، مور. ترجمه عبد الرضا زکوت روشندل.
رسانه، س ۱۵ ش پیاپی ۵۹ پائیز ۱۳۸۳.
- سرژلاتوشه، غربی سازی جهان، ترجمه مشتاق فرهاد صفت، سمت ۱۳۷۹.
- کافی امامی، مجید، «فناوری در خدمت تولید دانش دینی»، ره آورد نور، س ۴. ش
۸. پائیز ۱۳۸۳.
- الکمیوتر و الاتصالات و الالکترونیک. (ضمیمه) نشریه مجموعه دارالصیاد، بیروت،
لبنان، نوامبر ۱۹۹۹.
- محسنیان راد . ماهواره، اینترنت و رسالت حوزه ها، فصلنامه اندیشه حوزه، س ۳
ش ۲-۳، ۱۳۷۶.
- مرتضی مطهری . اسلام و مقتضیات زمان، جلد اول . انتشارات صدرا، چاپ نهم :
تابستان ۱۳۷۳.
- مرتضی مطهری ، (بی تا)، تکامل اجتماعی انسان . به ضمیمه هدف زندگی . الهامی
از شیخ الطائفه، مزایا و خدمات مرحوم آیه الله بروجردی، انتشارات صدرا.
- مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، جلد دوم، انتشارات صدرا، چاپ اول :
تابستان ۱۳۷۰.
- محمدی، ابراهیم، روزنامه رسالت (۶/۵/۱۳۸۱)، ص ۱۱.
- هادی خانیکی، «دموکراسی دیجیتال»، رسانه، س ۱۵ ش پیاپی ۵۹ پائیز ۱۳۸۳.